

ضرورت طراحی و استقرار نظام یکپارچه آمارهای حوزه فرهنگ در کشور

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۱۱

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۶/۱۸

صادق بختیاری *

محمد رضا لعلی **

محمد غلامی ***

چکیده:

توسعه فرهنگی و تحقق اهداف سیاست‌های کلان فرهنگی کشور، مستلزم ارزیابی و سنجش فعالیت‌های فرهنگی و عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با آن است. این مهم بدون یک نظام منسجم و یکپارچه آمارهای فرهنگی کشور جهت هماهنگی و هدایت فعالیت‌ها و برنامه‌های تمام نهادها و مراکز دست‌اندرکار اعم از دولتی، خصوصی و عمومی میسر نخواهد بود. با توجه به اهمیت موضوع سازمان یونسکو با تهیه و تدوین چارچوب آمارهای فرهنگی، کلیه کشورهای عضو را ترغیب به تدوین نظام آمارهای فرهنگی کرده است. این چارچوب ضمن تدوین مفاهیم پایه‌ای برای ارزیابی بخش اجتماعی و اقتصادی فرهنگ در جهت سازماندهی، جمع‌آوری و انتشار آمارهای فرهنگی، ابزارهای لازم برای استفاده سیاست‌گذاران، جامعه کاربران آماری و قابلیت مقایسه‌پذیری بین کشوری توسط سازمان‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد. در این مقاله ضمن بررسی تعاریف و قلمرو فرهنگ در مفهوم عام و خاص به‌طور ضمنی به بررسی چارچوب پیشنهادی آمارهای فرهنگی یونسکو پرداخته می‌شود و در پایان نیز چالش‌ها و راهکارهای لازم برای ایجاد نظام آمارهای فرهنگی در کشور ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: آمارهای فرهنگی، طبقه‌بندی حوزه‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی.

* استاد اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان Email: Bakhtiari_sadegh@yahoo.com

** کارشناس ارشد اقتصاد، معاونت برنامه‌ریزی استانداری اصفهان Email: Mohammadreza.lali@gmail.com

*** کارشناس ارشد اقتصاد، دفتر حساب‌های اقتصادی مرکز آمار ایران Email: moh.gholami@gmail.com

مقدمه

بی‌شک پیشرفت و توسعه فرهنگی و تحقق اهداف سیاست‌های کلان فرهنگی کشور، مستلزم ارزیابی و سنجش فعالیت‌های فرهنگی و عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با آن است. این مهم از طریق یکپارچه‌سازی، هماهنگی و هدایت فعالیت‌ها و برنامه‌های کلیه نهادها و مراکز دست‌اندرکار اعم از دولتی، خصوصی و عمومی در راستای اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور میسر خواهد بود. در این میان توسعه فرهنگی پایدار بدون توجه به مقوله اقتصاد فرهنگ محقق نخواهد شد. ضرورت طرح موضوع اقتصاد در بخش فرهنگ، بیش از هر چیز به اهداف علم اقتصاد برمی‌گردد. فرض مهم این است که ما با منابع محدود و نیازهای نامحدود مواجه‌ایم، بنابراین منابع باید به صورتی تخصیص یابد که ضمن حداکثر کردن منافع جامعه، مطلوبیت سیاستگذاران را نیز به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر، از کمترین منابع، بیشترین محصول به دست آید و بیشترین نیازها نیز برطرف شود. بنابراین اقتصاد فرهنگ، مجموعه امکاناتی را فراهم می‌آورد که از طریق آنها می‌توان با تخصیص هزینه‌ها، اولویت‌بندی‌ها و برنامه‌ریزی در حوزه‌های فرهنگی، الگوی مناسبی را برای پیدا کردن جهت‌گیری‌های فرهنگی بکار گرفت که از جمله این ابزارها ساماندهی، استقرار و یکپارچگی نظام آماری در حوزه فرهنگ است.

در ایران داده‌های موجود در خصوص فرهنگ و فراغت توسط مرکز آمار ایران و سایر دستگاه‌های اجرایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان تربیت بدنی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی و سایر نهادها و سازمان‌ها گردآوری می‌شوند، آنچه مسلم است اطلاعات تمام منابع مذکور باید قابل مقایسه و مکمل یکدیگر باشند. یکسان نبودن تعاریف و مفاهیم آماری در این حوزه عاملی جهت ناهماهنگی آمارهاست؛ اما در مواردی که تعاریف استاندارد نیز وجود دارد، به دلیل کمبود چارچوبی منسجم در قالب نظامی منظم و منطقی، این ناهماهنگی‌ها در آمارها مشاهده می‌شود.

به‌رغم منابع آماری موجود، استفاده از آمار و اطلاعات در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی زمانی میسر است که داده‌ها در قالب نظامی منظم و منسجم طبقه‌بندی شوند. طبقه‌بندی به شناخت واقعیت‌ها کمک می‌کند و با نظم‌دهی به مقولات مختلف منجر به کاهش بی‌نظمی و اغتشاشات فکری می‌شود. شناخت حوزه‌ها، فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی و توزیع منابع مالی آنها نیازمند اخذ اطلاعات در این خصوص است که طبقه‌بندی‌ها در کامل شدن آن

بسیار کارگشاست. بنابراین با توجه به تنوع فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی و نیز تفاوت‌های ماهوی در نوع فراهم‌کنندگان محصولات، بکارگیری طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌المللی در رشته فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی به‌منظور یکپارچه‌سازی آمار و اطلاعات پراکنده موجود و امکان مقایسه‌پذیری آنها در بخش‌ها و نهادهای مختلف و نیز برنامه‌ریزی آتی و کنترل منابع مالی و سیاست‌گذاری مناسب در هر حوزه، یک ضرورت است. در این نوشتار پس از تبیین تعریف و قلمرو فرهنگ در مفهوم عام و خاص به‌طور ضمنی به بررسی چارچوب پیشنهادی آمارهای فرهنگی یونسکو پرداخته می‌شود و در پایان نیز چالش‌ها و راهکارهای لازم جهت ایجاد نظام آمارهای فرهنگی در کشور ارائه خواهد شد.

۱. مفهوم عام فرهنگ

قدم اول در تبیین الگوی طبقه‌بندی مسائل فرهنگی، شناخت دقیق فرهنگ و گستره موضوعاتی است که فرهنگ شامل آن می‌گردد. این امر به‌رغم دشواری، گام مهمی در نزدیک شدن به الگوی طبقه‌بندی مسائل فرهنگی است. فرهنگ یکی از رایج‌ترین واژه‌هاست که در همه تمدن‌های زنده جهان مورد استفاده قرار گرفته است. به‌طوری که همه گروه‌ها، از مردم معمولی تا متخصصان رشته‌های گوناگون کم و بیش با این واژه آشنا بوده یا آن را به‌کار می‌گیرند. گستره معنایی این واژه بسیار وسیع است و تاکنون به‌معنای گوناگونی توسط دانشمندان مختلف علوم انسانی مورد استفاده قرار گرفته است و در واقع نیز همین امر، مبدأ و منشأ ابهام در تعریف اصطلاحی فرهنگ گردیده است.

به‌طور کلی واژه فرهنگ از طرف دانشمندان علوم مختلف و برحسب ابعاد و صف‌گرانه، تاریخی، هنجاری، روانشناختی، ساختاری و تکوینی تعاریف گوناگونی شده است، از این رو نیز به اشکال گوناگون تفسیر و طبقه‌بندی شده است (آشوری، ۱۳۸۶):

۱. تعاریف توصیفی^۱: در این دسته از تعاریف، فرهنگ به‌مثابه مجموعه‌ای جامع - که زندگی اجتماعی را می‌سازد - در نظر گرفته می‌شود.
۲. تعاریف تاریخی^۲: این دسته از تعاریف فرهنگ، را میراث تاریخی نسل‌ها می‌داند که در طول زمان و در فرآیند انتقال از نسلی به نسل دیگر اضافه و تکمیل می‌شود.
۳. تعاریف هنجاری^۳: این تعاریف نیز خود دو دسته‌اند. گروهی فرهنگ را شیوه زندگی

1. Descriptive definitions
2. Historical definitions
3. Normative definitions

می‌دانند که به الگوهای رفتاری انسان‌ها شکل می‌دهد و گروه دیگر فرهنگ را ارزش‌های مادی و اجتماعی مردم می‌دانند.

۴. **تعاریف روان‌شناختی**^۱: در این تعاریف فرهنگ به‌مثابه حلال مشکلات مردم که ارتباطات آنها را میسر می‌سازد و انسان‌ها می‌توانند به‌دلیل آن آموزش ببینند یا نیازهای مادی و عاطفی خود را برآورده سازند، تلقی می‌گردد.

۵. **تعاریف ساختاری**^۲: این تعاریف بیشتر به روابط سازمان یافته و جنبه‌های تفکیک‌پذیر فرهنگ اشاره دارد و فرهنگ را امری تجربیدی می‌داند.

۶. **تعاریف تکوینی**^۳: این تعاریف، فرهنگ را محصول کنش متقابل انسان‌ها و محصول تحولات بین نسلی می‌داند و به تعاریف تاریخی نزدیک است.

اما در این میان تعریف ادوارد بارنت تایلور^۴ (۱۸۷۱ میلادی) در نخستین بند از کتاب «فرهنگ ابتدایی» به‌عنوان یک تعریف کلاسیک و شناخته شده برای عموم محققان تلقی شده است و از جمله در زمره تعاریف توصیفی از فرهنگ قرار می‌گیرد:

«فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای است که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون هموندی از جامعه به‌دست می‌آورد» (آشوری، همان).

برخی براساس گرایش‌های مختلف علوم اجتماعی، فرهنگ را تعریف و بر همین اساس تفکیک نموده‌اند. بنابراین در زمینه تعریف فرهنگ، دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات مفاهیم، مقولات و تقسیم‌بندی‌های متنوعی ارائه شده است. در این میان عام‌ترین تعریف را انسان‌شناسان طرح می‌کنند که میان دو عنصر معنوی و مادی فرهنگ تفکیک قائل می‌شوند. به این مبنا، فرهنگ، متشکل از یکسری ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها و دانش‌های تکنیکی است و در طرف مقابل مجموعه‌ای است از ابزارها، مواد، مصنوعات، اختراعات و داشته‌های عینی که این دو، کم‌وکیف و سبک و سیاق زندگی هر گروه یا جامعه انسانی را مشخص می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۲).

براساس تعریف شورای مهندسی فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب جلسه ۸۶/۹/۲۵ فرهنگ عبارت است از: «نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب، الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد». (شاخص‌های راهبردی،

1. Psychological definitions
2. Structural definitions
3. Genetical definitions
4. Edward Burnett Taylor

ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی، ۱۳۸۹).

با مرجع قرار گرفتن این تقسیم‌بندی از تعاریف و قلمرو فرهنگ - که برپایه مفاهیم عام فرهنگ استوار شده است، عمدتاً ابعاد ذهنی و نرم‌افزاری فرهنگ، مورد توجه بوده و کمتر به مصنوعات و تولیدات عینی فرهنگی پرداخته شده است. به این معنا که از مقولاتی همچون مشارکت فرهنگی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و فعالیت‌ها و تولیدات در این تقسیم‌بندی، خبری نیست. به عبارت دیگر، تقسیم‌بندی مذکور، فرهنگ را در معنایی کاملاً آکادمیک و تحلیلی بکار می‌برد و از نیازهای اجرایی و عملیاتی به دور است.

۲. مفهوم خاص فرهنگ به منظور اهداف آماری

با توجه به مفاهیم عام فرهنگ، تفکیک میان برداشت عام و برداشت خاص از فرهنگ تفکیکی اساسی است، زیرا این تفکیک می‌تواند حوزه کار را در نظام، طبقه‌بندی‌ها و چارچوب‌های آماری از سایر حوزه‌های مربوط به فرهنگ جدا کند. چرا که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای این دو حوزه با هم متفاوت است و بی‌توجهی به این تفاوت باعث غفلت از یک حوزه شده و مرز میان آن دو مخدوش می‌شود. به عبارتی چنانچه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بر مفهوم عام فرهنگ تأکید ورزد، با اهدافی متعالی روبرو خواهیم شد که همواره در سطح لفظ باقی خواهد ماند و از حد ایدئولوژی یا اهداف کلی فراتر نخواهد رفت.

مفهوم خاص فرهنگ را می‌توان به دو روش «مفهومی» و روش «آماری» تعریف کرد. در روش مفهومی، مفهوم خاص فرهنگ را می‌توان با استفاده از مفاهیمی مانند اوقات فراغت، زندگی فرهنگی، خلاقیت فرهنگی، مشارکت فرهنگی و حقوق فرهنگی توضیح داد و در روش آماری، مفهوم خاص فرهنگ را می‌توان به فعالیت‌ها، خدمات و محصولات فرهنگی معینی به‌شمار آورد که در برخی کشورها در مورد آنها سیاستگذاری و برنامه‌ریزی می‌شود: همانند کتابخانه‌ها، سینماها، رادیو و تلویزیون، موزه‌ها، بناهای تاریخی و میراث فرهنگی، آموزش هنری و فرهنگی، جهانگردی، ورزش و از این قبیل. بنابراین تلاش‌هایی که در خصوص تهیه نظام آمارهای فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی شده است، به این برداشت از فرهنگ بر می‌گردد و آمارشناسان و اقتصاددانان همواره کوشیده‌اند در ابتدا مفهوم فرهنگ را محدود کرده و از صرف وقت و انرژی برای بحث در ماهیت فرهنگ بپرهیزند تا بتوانند وقت و توان خود را مصروف روش‌های تهیه آمار و اطلاعات و برنامه‌ریزی کنند (اجالی، ۱۳۷۹).

در چارچوب آمارهای فرهنگی برای رسیدن به تعریفی از فرهنگ که با اهداف آماری

منطبق باشد، دو جنبه مورد توجه قرار گرفته است (یونسکو ۲۰۰۹، ص ۱۸).

الف) مفهوم قلمرو فرهنگی^۱: قلمرو فرهنگی با رشته فعالیت‌های فرهنگی منطبق با طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیان می‌شود. این قلمرو می‌تواند در برگیرنده کلیه فعالیت‌های فرهنگی غیر رسمی و اجتماعی که تحت یک سرفصل قرار می‌گیرند، باشد. برای مثال، آمارهای سینما می‌تواند شامل تعداد تماشاچیان سینماهای تجاری و صنعت فیلم بوده و یا حتی می‌تواند در برگیرنده تولید سینمای خانگی و تماشای آن باشد. با وجود چنین فعالیت‌های غیررسمی و اجتماعی در فعالیت‌های فرهنگی، تعریف فرهنگ با استفاده از مستندات آماری کنونی بسیار دشوار بوده و متضمن بسط و گسترش روش‌شناختی دیگری در آمارهای فرهنگی است. اما به لحاظ ساختاری قلمرو فرهنگی شامل کلیه فعالیت‌های مرتبط اقتصادی و اجتماعی است.

ب) ابداعات فرهنگی^۲: بسیاری از کشورها اصطلاح ابداع را برای توصیف برخی رشته فعالیت‌های فرهنگی انتخاب کرده‌اند، اما ممکن است بسیاری از رشته فعالیت‌ها در درون بخش ابداعات، فعالیت ابداعی نباشند. رشته فعالیت‌های فرهنگی ابداعی معمولاً پوشش وسیع‌تری نسبت به حوزه‌های هنری سنتی دارند، برای مثال کلیه رشته فعالیت‌های اطلاعات و فناوری ارتباطات^۳ یا تحقیق و پژوهش را نیز پوشش می‌دهند. در این راستا در چارچوب آمارهای فرهنگی به برخی رشته فعالیت‌های ابداعی خاص (مانند طراحی و تبلیغات) به عنوان حوزه‌ای متفاوت توجه شده است.

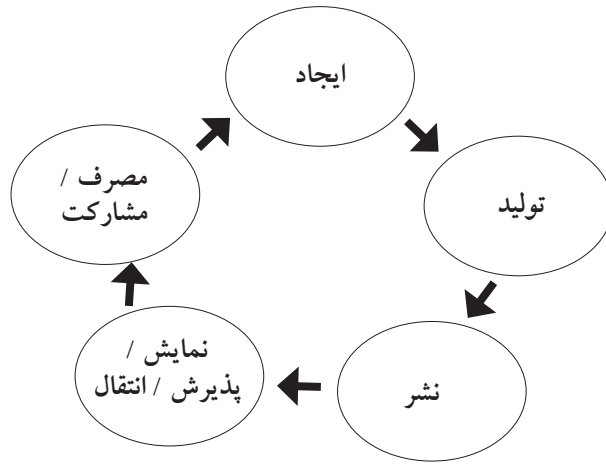
در چارچوب آمارهای فرهنگی، فرهنگ می‌تواند مجموعه‌ای از فرایندهای مختلف خلق، تولید و انتشار فرهنگی باشد. چرخه‌های تکمیلی که موجب خلق، توزیع، دریافت، استفاده، انتقاد، درک و حفظ فرهنگ می‌شود، از چالش‌های قوی و پایدار چارچوب آمارهای فرهنگی است. در چارچوب سال ۱۹۸۶ یونسکو چرخه فعالیت‌های فرهنگی شامل پنج مرحله است که به صورت یک الگوی چرخه‌ای^۴ نشان داده شده است (شکل ۱):

۱. **خلق^۵:** خلق ایده‌ها و تألیف مضامین (مانند مجسمه‌سازان، نویسندگان، شرکت‌های طراحی) و ساختن محصولات نادر (مانند صنایع دستی و هنری).

۲. **تولید:** محصولات قابل تکثیر فرهنگی (مانند برنامه‌های تلویزیونی) همچنین ابزارآلات

1. Cultural Domain
2. Creative-Cultural
3. Information and Communication Technologies (ICT)
4. Cyclical Model
5. Creation

شکل ۱. چرخه فرهنگی



مأخذ: (یونسکو ۲۰۰۹: ۲۰)

خاص (مانند تولید ابزارآلات موسیقی و چاپ روزنامه‌ها).

۳. انتشار: ارائه محصولات فرهنگی - تولیدی در سطوح گسترده به مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان (مانند عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و اجاره موسیقی ضبط شده و بازی‌های کامپیوتری، توزیع فیلم‌ها) و امکان توزیع و پخش الکترونیکی کالاها و خدمات از طرف خالق اثر به مصرف‌کننده.

۴. نمایش - پذیرش - انتقال: منظور مکان ارائه و نمایش فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی و چگونگی پذیرش حضار در قالب مراسم عمومی و یا فروش بلیط در یک جدول زمانی مشخص است (مانند برگزاری و سازماندهی جشنواره، تئاتر و موزه). ضمن اینکه ممکن است انتقال این محصولات و خدمات فرهنگی همچون انتقال میراث فرهنگی غیر ملموس^۳، خارج از مبادلات تجاری و به‌طور غیررسمی تنها از طریق انتقال دانش و مهارت‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

با توجه به مطالب بیان شده در خصوص قلمرو، ابداعات و چرخه فرهنگی، مفهوم خاص فرهنگ منطبق با اهداف آماری در این نوشتار را می‌توان در برگیرنده کلیه فعالیت‌های رسمی و غیررسمی فرهنگی (منطبق با طبقه‌بندی‌های موجود بین‌المللی از جمله طبقه‌بندی فعالیت‌های فرهنگی رشته فعالیت‌ها و طبقه‌بندی حوزه‌های فرهنگی یونسکو) که منتج از فرایندهای مختلف خلق، تولید و انتشار محصولات و خدمات فرهنگی است، دانست.

1. Dissemination
2. Exhibition/Reception/Transmission
3. Intangible Cultural Heritage

۳. چارچوب آمارهای فرهنگی^۱ (FCS) یونسکو

چارچوب پیشنهادی آمارهای فرهنگی، ابزاری برای ساماندهی آمارهای فرهنگی به صورت ملی و بین‌المللی است. این چارچوب براساس مفهومی ساختاری و مشترک از فرهنگ بنا شده که دامنه وسیعی از متغیرهای فرهنگی را صرف نظر از مضامین اجتماعی، اقتصادی و محصولات آنها مورد سنجش قرار می‌دهد و امکان مقایسه‌پذیری بین‌المللی داده‌ها را ممکن می‌کند.

در سال ۱۹۷۲ مفاهیم مرتبط با چارچوب آمارهای فرهنگی به همراه توصیه‌های کنفرانس فرهنگی یونسکو در اروپا مطرح شد، دو سال پس از آن در سپتامبر ۱۹۷۴ در اولین نشست تخصصی گروه کاری یونسکو، پیشنهادهایی در مورد چارچوب آمارهای فرهنگی ارائه شد که در برگیرنده سه محور عمده در این خصوص بود: (یونسکو ۲۰۰۹، ص: ۲۰)

الف) چارچوب آمارهای فرهنگی لازم است از انسجام و یکپارچگی بالایی برخوردار باشد و وجوه اجتماعی، اقتصادی و پدیده‌های فرهنگی مانند تولید، توزیع، مصرف و خدمات فرهنگی را شامل شود.

ب) چارچوب آمارهای فرهنگی لازم است از منطبق و قواعد مشخصی پیروی کند، به گونه‌ای که امکان برقراری ارتباط با سایر نظام‌های آماری از جمله نظام حساب‌های ملی و نظام آمارهای جمعیتی و اجتماعی وجود داشته باشد.

ج) چارچوب آمارهای فرهنگی باید تمام نیازهای برنامه‌ریزی، نظارت، مطالعات و سیاست‌های فرهنگی کشور را برآورده سازد و پوشش کاملی از پدیده‌های این حوزه را ارائه کند. در چارچوب آمارهای فرهنگی یونسکو ۲۰۰۹، تعریف کاربردی فرهنگ براساس حوزه‌های مورد سنجش فعالیت‌های فرهنگی، کالاها و خدمات ایجاد شده هر یک از رشته فعالیت‌ها و فرایندهای غیرمرتبط با آن بنا شده است. برخلاف چارچوب آمارهای فرهنگی سال ۱۹۸۶ در چارچوب فعلی حوزه‌های فرهنگی شامل کلیه فعالیت‌های فرهنگی و کالاها و خدمات مرتبط با مراحل مختلف الگوی چرخه فرهنگ است. حوزه‌هایی که عموماً در برگیرنده فعالیت‌های اجتماعی، تفریحی و سرگرمی نیز می‌باشند.

حوزه‌های فرهنگی FCS که در شکل ۲ نمایش داده شده است، بیانگر مجموعه مشترکی از بخش‌های فرهنگی، فعالیت‌ها و آداب و رسومی است که تحت سرفصل‌های زیر می‌توان آنها را طبقه‌بندی کرد: (یونسکو ۲۰۰۹، ص ۲۴)

حوزه‌های اصلی

- میراث فرهنگی و طبیعی^۱،
- نمایش و جشن^۲،
- هنرهای تجسمی و صنایع دستی^۳،
- کتاب و مطبوعات^۴،
- سمعی و بصری و رسانه‌ها^۵،
- خدمات طراحی و خلق آثار^۶.

حوزه‌های وابسته

- گردشگری،
- ورزش و سرگرمی.

این حوزه‌ها بیانگر یک مجموعه حداقلی از حوزه‌های اصلی فرهنگی یونسکو است که کشورها به گردآوری اطلاعات آن تشویق شده‌اند. علاوه بر این، در چارچوب جدید سه حوزه نوین زیر به دلیل ایفای نقش اصلی در چرخه فرهنگی تولید و انتقال فرهنگی اضافه گردیده‌اند:

- آموزش و پرورش^۷،
- بایگانی و محافظت^۸،
- تجهیزات و کالاهای پشتیبان^۹.

یکی از ابزارهای گردآوری داده در این سیستم، نظام‌های طبقه‌بندی بین‌المللی است که به‌واسطه آن تولید، تحلیل و مقایسه‌پذیری داده‌های فرهنگی ممکن می‌شود. اکثر این طبقه‌بندی‌های بین‌المللی به‌منظور ایجاد چارچوب جامعی برای جمع‌آوری داده‌های اقتصادی و به‌کارگیری در تحلیل‌ها، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها طراحی شده است که بر این اساس می‌توان داده‌های ثبتی و طرح‌های آماری دسته‌سویی از اطلاعات فرهنگی را در راستای سنجش سهم فرهنگ در اقتصاد ملی و بررسی روند اشتغال و مصرف فرهنگی طبقه‌بندی کرد.

1. Cultural and Natural Heritage
2. Performance and Celebration
3. Visual Arts and Crafts
4. Books and Press
5. Audio-visual and Interactive Media
6. Design and Creative Services
7. Education and training
8. Archiving and preservation
9. Equipment and supporting materials

این اطلاعات ممکن است از نتایج طرح‌های آماری کسب و کار، مخارج خانوار، نیروی کار، سرشماری‌ها و یا آمارهای ثبتی سازمان‌ها و مؤسسات که حتی به‌طور ویژه برای گردآوری اطلاعات فرهنگی طراحی نشده باشد، حاصل شود، ولی با این وجود تحلیل فعالیت‌های مرتبط و فرهنگی منتخب به‌وسیله آنها امکان‌پذیر است.

شکل ۲. چارچوب حوزه آمارهای فرهنگی



ماخذ: (یونسکو ۲۰۰۹: ۲۴)

از جمله طبقه‌بندی‌های بین‌المللی که در چارچوب آمارهای فرهنگی به‌کار گرفته شده است، می‌توان به طبقه‌بندی‌های ذیل اشاره کرد.

۱. طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (ISC) - برای شناسایی فعالیت‌های تولیدی و بخش‌های فرهنگی،
۲. طبقه‌بندی محوری محصولات (CPC) - برای شناسایی کالاها و خدمات فرهنگی،
۳. نظام هماهنگ کدگذاری و توصیفی کالا (HS) - برای شناسایی تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات فرهنگی
۴. طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی مشاغل (ISCO) - برای شناسایی مشاغل فرهنگی،

1. International Standard Industrial Classification of all Economic Activities
2. Central Product Classification
3. Harmonized Commodity Description and Coding System
4. International Standard Classification of Occupations

این طبقه‌بندی‌ها می‌تواند با توجه به اهداف هر تحقیق در جای مناسب خود بکار رود. طبقه‌بندی محوری محصولات CPC و طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تمام رشته‌های اقتصادی ISIC هر دو طبقه‌بندی‌هایی برای مقاصد عام هستند که ارتباط تنگاتنگی نیز با یکدیگر دارند. هر زیرطبقه از CPC شامل کالاها یا خدماتی است که به‌طور عمده در یک یا چند طبقه معین از ISIC تولید می‌شود. سطوح تفصیلی CPC با ISIC مرتبط بوده و به افزایش قابلیت مقایسه‌پذیری و تشخیص دقیق رشته‌های فعالیت‌های تولیدی فرهنگ و محصولات کمک می‌کند. این مسئله به‌خصوص تا حد زیادی در مورد اطلاعات خدمات صدق می‌کند. برای تأمین نیاز استفاده‌کنندگان از ISIC که مایلند رابطه بین CPC و ISIC را دریابند هر زیرطبقه CPC به یک یا چند رشته فعالیت از طبقه‌بندی ISIC که بیش‌ترین کالاها یا خدمات مورد نظر از آن طریق تولید می‌شود، ارجاع شده است. باید توجه داشت آنچه مورد نظر است تطبیق یک به یک کدها میان CPC و ISIC نیست، بلکه تلاش در جهت ایجاد یک نظام یکپارچه طبقه‌بندی آمارهای فرهنگی است به‌نوعی که در هر حوزه فرهنگی، فعالیت‌ها و محصولات آن براساس طبقه‌بندی مورد اشاره بصورت درخواره قابل رصد باشد.

بررسی چارچوب آمارهای فرهنگی کشورهای هم‌چون استرالیا، کانادا و نیوزیلند و کشورهای اتحادیه اروپا که در زمینه تولید آمارهای فرهنگی از کشورهای پیشرو در این زمینه محسوب می‌شوند، بیانگر آن است که کشورهای مذکور مفهوم فرهنگ را به‌معنای خاص تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و یا مشارکت در تولیدات فرهنگی بیان می‌کنند و برای تعیین دقیق مرزهای بخش فرهنگ طبقه‌بندی‌های ملی و بین‌المللی متنوعی را به‌کار می‌گیرند. وجه مشترک چارچوب آمارهای فرهنگی در کشورهای مذکور مبنای قرار دادن ساختار آمارهای فرهنگی یونسکو با به‌کارگیری طبقه‌بندی کالاها و خدمات، فعالیت‌ها و مشاغل فرهنگی است. با این تفاوت که نوع طبقه‌بندی مورد استفاده در هر کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی، اهداف و ملاحظات فرهنگی مورد نظر آن متفاوت بوده و برخی فعالیت‌های فرهنگی خود را با توجه به اهمیت خاص آن، در طبقه‌بندی‌های مذکور تطبیق داده است (Eurostat, 2007).

۴. لزوم ایجاد چارچوب آمارهای فرهنگی در کشور و نقش آن در توسعه

در گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه سازمان ملل^۱ (UNWCCD) سال ۱۹۹۵ بطور صریح مطرح کرده است که مفاهیم فرهنگ و توسعه در هم تنیده‌اند و بدون توجه به

1. United Nations World Commission on Culture and Development

مؤلفه‌های فرهنگ نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت (به نقل از Throsby 2001، ص ۱۱). از طرفی هرگونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مقوله فرهنگ مستلزم داشتن اطلاعات صحیح از متغیرهای فرهنگی است. سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) معتقد است برای پیشبرد نظارت بر کالاها و خدمات فرهنگی غنی و متنوع کشورهای عضو نیاز مبرم به اطلاعات آماری دقیق و قابل مقایسه است^۱ و برای این منظور، مؤسسه‌ای با عنوان مؤسسه آمار یونسکو^۲ (UIS)، ایجاد نموده است تا در زمینه چارچوب‌های لازم برای آمارهای فرهنگی مطالعه، تحقیق و راهکار ارائه کند.

مرکز آمار ایران نیز به‌عنوان متولی تدوین، پیاده‌سازی و بازنگری طبقه‌بندی‌های ملی و بین‌المللی به‌منظور ارتقای یکپارچگی اطلاعات آماری و کاهش دوباره‌کاری‌ها و موازی‌کاری‌ها برای اولین بار اقدام به تدوین طبقه‌بندی فرهنگ و فراغت^۳ (ICLC) نموده است.

اگرچه طبقه‌بندی مذکور با مبنا قرار دادن ساختار طبقه‌بندی فرهنگ و فراغت استرالیا^۴ (ACLIC)، با تغییرات و تعدیلات جزئی مطابق با شرایط فرهنگی کشور تهیه و منتشر شد؛ اما با توجه به ضعف نظام آمارهای ثبتی کشور و مغفول ماندن عمده دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های متولی حوزه‌های فرهنگی از ثبت و درج اطلاعات آمارها و اطلاعات و نیز نامشخص بودن چگونگی استقرار این طبقه‌بندی در دستگاه‌ها، پیاده‌سازی این نظام در عمل ممکن نشد و این طبقه‌بندی تنها به‌عنوان یک طبقه‌بندی پیشنهادی باقی ماند. ضمن اینکه طبقه‌بندی مذکور برخلاف نظام آمارهای فرهنگی یونسکو به‌دلیل ساختاری از رصدها درختواره‌ای اطلاعات و آمارهای فرهنگی از سطوح محصولات تا حوزه‌های فرهنگی قاصر بوده است.

با توجه به اهمیت آمارهای فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی کشور و در راستای استقرار موفقیت‌آمیز نظام آمارهای فرهنگی در کشور لازم است شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری فرهنگی کشور در این رابطه تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خاصی اتخاذ کند. برخی از این سیاست‌ها در قسمت پیشنهادها مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از ضعف‌های اساسی نظام برنامه‌ریزی فرهنگی در کشور فقدان آمار و اطلاعات

1. www.uis.unesco.org/culture
2. UNESCO Institute for Statistics
3. Iran Cultural and Leisure Classification
4. Australian culture and Leisure Classification

منسجم و یکپارچه در حوزه‌های فرهنگی است که با توجه به تنوع فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی و نیز تفاوت‌های ماهوی در نوع فراهم‌کنندگان محصولات، ایجاد یک نظام آمارهای فرهنگی به‌منظور یکپارچه‌سازی آمار و اطلاعات پراکنده موجود و امکان مقایسه‌پذیری آنها در بخش‌ها و نهادهای مختلف و نیز برنامه‌ریزی آتی و کنترل منابع مالی و سیاست‌گذاری مناسب در هر حوزه، یک ضرورت است. با توجه به اهمیت موضوع سازمان یونسکو با تهیه و تدوین چارچوب آمارهای فرهنگی، کلیه کشورهای عضو را ترغیب به تدوین نظام آمارهای فرهنگی کرده است. این چارچوب ضمن تعاریف، حدود و قلمرو هر حوزه آماری، مفاهیم پایه‌ای برای ارزیابی بخش اجتماعی و اقتصادی فرهنگ در جهت سازماندهی، جمع‌آوری و انتشار آمارهای فرهنگی، ابزارهای لازم را در اختیار کشورهای عضو قرار می‌دهد و از این طریق اطلاعات ملی آمارهای فرهنگی را برای استفاده سیاستگذاران، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه کاربران آماری ممکن می‌سازد.

ضعف در نظام آمارهای ثبتی کشور و مغفول ماندن عمده دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های متولی حوزه‌های فرهنگی از ثبت و درج اطلاعات آمارهای فرهنگی در قالب طبقه‌بندی‌های ISIC و CPC و نیز فقدان یک مرکز یکپارچه مدیریت داده‌ها و اطلاعات فرهنگی، پیاده‌سازی این چارچوب فرهنگی را ناممکن ساخته است. به‌همین دلیل جهت کاربردی کردن این طبقه‌بندی و استقرار نظام جامع آمارهای فرهنگی ضمن تعریف حدود و ثغور حوزه‌های فرهنگی در چارچوب نظام آمارهای فرهنگی یونسکو با لحاظ نمودن کلیه جوانب فرهنگ ایرانی و اسلامی، باید دفاتر آمار و اطلاعات دستگاه‌های متولی فرهنگی به‌گونه‌ای آموزش داده شوند تا آمارها و اطلاعات خام هر یک از آنها در قالب فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی به کدهای فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی متناسب شده و پس از گزارشگیری برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به امکان کدگذاری فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی دستگاه‌های دولتی و عمومی متولی بخش‌های فرهنگی در کشور از اطلاعات بودجه‌ای آنها در سطوح برنامه، طرح و پروژه و انطباق آنها با هر یک از حوزه‌های معرفی شده فرهنگی، تهیه چارچوب اولیه برای ثبت آمارهای فرهنگی به تفکیک هر حوزه، فعالیت و محصول کاملاً امکان‌پذیر خواهد بود. با توجه به نکات فوق و برای سامان دادن به وضعیت آمارهای فرهنگی به‌نظر می‌رسد که باید:

۱. در کوتاه‌مدت حوزه‌های فرهنگی کشور با توجه به اهداف آماری تعریف گردد.

۲. متولیان دستگاهی هر حوزه فرهنگی مشخص گردد.
۳. فعالیت‌های ذیل هر حوزه فرهنگی به همراه محصولات منتج از هر فعالیت شناسایی و براساس نظام پیشنهادی یونسکو طبقه‌بندی و کدگذاری گردد (پیشنهاد می‌گردد این مهم به وسیله کارگروهی تخصصی ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری و حضور نماینده تام‌الاختیار تمام دستگاه‌های متولی حوزه‌های فرهنگی صورت پذیرد).
۴. نظام آمارهای ثبتی در دستگاه‌های متولی حوزه‌های فرهنگی تعریف و آموزش‌های لازم برای ثبت آمار و اطلاعات براساس نظام طبقه‌بندی مورد اشاره در بند فوق صورت گیرد.
۵. نرم‌افزار تحت وب به منظور ثبت، ویرایش، بهنگام کردن و گزارشگیری کلیه اطلاعات آمارهای فرهنگی بند سوم در کلیه دستگاه‌های استقرار گردد.
۶. مدیریت، گزارش‌گیری و رصد آمار و اطلاعات فرهنگی برحسب هر حوزه، فعالیت، محصولات فرهنگی و به تفکیک استان‌های کشور به عهده دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد.
۷. در بلندمدت نظام آمارهای فرهنگی در کلیه دستگاه‌های متولی فرهنگی در سطوح استان‌ها نیز مستقر گردد.

منابع:

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۶). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگه.
- اجلالی، پرویز. (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران، نشر آن.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- شاخص‌های راهبردی، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی. (۱۳۸۹). تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۳). شناسایی طبقه‌بندی‌های موجود و تاریخچه تحولات آنها در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۸). طبقه‌بندی فرهنگ و فراغت ایران، تهران
- Australian Culture and Leisure Classifications (2008) , Australian Bureau of Statistics
- Throsby, David (2001), Economics and Culture, Cambridge University Press.
- Eurostat (2007) , Cultural Statistics , Luxembourg , European Communities
- UNESCO (2009) , Framework for Cultural Statistics , UNESCO